

ازدهای فارسی دیگر وارد نمی شود

علیرضا محمودی

جشنواره فیلم می تواند همچون یک حضور و غیاب عمل کند. همانطور که کمدهای جنگی ها حضوری پر تعداد دارند و با درام های اجتماعی شانه می زنند، ترنرهای مواد مخدری کمیاب و ملودرام های اشک انگیز نایابند اما برخی از چرخه های فیلمسازی برای همیشه فراموش شده و بعید است حضور والدین هم در سر نوشت آنها مؤثر باشد. یکی از چرخه های به فراموشی سپرده شده، برای همیشه فیلم رزمی ایرانی است.

در دهه ۵۰ اقبال عمومی جوانان به ورزش های رزمی مشرق زمین با درخشش بروسلی و فیلم های هنگ کنگی ارتباط مستقیم داشت. بسیاری از جوانان پوستر بروسلی را به اتاقشان می زدند و در بعضی خانه ها از سای و نانچکو برای تزیین خانه استفاده می شد. در ایران اقبال به فیلم های کاراته ای به حدی مضر تشخیص داده شده که در سال ۱۳۶۲ تنور فیلم های کارته ای که با فیلم هایی مثل پنجه های مرگبار داغ تر هم شده بود، خاموش شود.

ایرانی کردن هنرهای رزمی هم برای خود طرفدار داشت. ابراهیم میرزایی در باشگاه معروف خود (دانشکده انشای تن و روان) جوانان بسیاری را برای آموزش کونگ فوی ایرانی که کونگ فوتو خوانده می شد، تعلیم می داد. پوسترها و کتاب های میرزایی در همه خرازی ها و کتلفروشی ها فروخته می شد. عکس بسیاری از بازیگران ایرانی با گارد ورزش های رزمی روی جلد مجلات آن سال چاپ می شد اما تلاش برای ساخت فیلم کارته ای ایرانی نیم قرن پیش توسط ناصر محمدی عملی شد. ۲ فیلم شرور (۱۳۵۲) و

گریز از مرگ (۱۳۵۳) با هنرنمایی رزمی کاران ایرانی که گروه ضربت نامیده می شدند صحنه های زد و خورد این فیلم ها اجرا شد. میزان موفقیت این دو فیلم که فیروز (ستار هریس) ورزشکار کجیست نقش اول هر دو آنها بود، آنقدر نبود که تولید این فیلم ها ادامه پیدا کند. موفقیت ۲ فیلم فرار از اردوگاه (۱۳۷۲) ساخته حسن کاربخش و ادامه اش

یاس های وحشی (۱۳۷۶) ساخته محسن محسنی نتوانست باعث زنده شدن جریان فیلم های کارته ای شود. سینمای ایران در این دوران با تولید فیلم های چرخه کافی شاپی راه نمایش هر گونه مبارزه را بست. آخرین بازی که روی پرده سینماهای ایران هنرهای رزمی دیده شد متعلق به ۱۷ سال پیش است که «هدف اصلی» ساخته قدرت الله صلح میرزایی نمایش داده شد و نفروخت تاسینمای رزمی همچنان غایب باشد.

گفت و گو با محمد حسن حقیقت، کارگردان فیلم پرواز ۱۷۵

پروازی با حضور ۴ نسل از بازیگران

می گوید در آن یک تیر شلیک می شود. آسمان ۱۷۵ نخستین ساخته محمد حسن حقیقت است که پیش از این چندین فیلم کوتاه را کارگردانی کرده است. او متولد ۱۳۷۶ و جوان ترین کارگردان جشنواره چهل و دوم است و در این گفت و گو از چالش های ساخت نخستین فیلم بلندش می گوید:

ناصر احدی

در دومین روز از جشنواره فجر، فیلم «پرواز ۱۷۵» به نمایش درمی آید؛ فیلمی در ژانر دفاع مقدس که البته در آن نه خبری از جبهه است و نه آنطور که کارگردانش



حرف بد برداشت نشود. منظورم این نبوده که ما با شلیک و استفاده از ابزار جنگی در فیلم مشکل داشته ایم. کارهایی هم که به این شکل ساخته شده اند، حتما کارهای باارزشی هستند، ولی قالب کار ما در پرواز ۱۷۵ متفاوت است. در این فیلم ما به شکل مستقیم در جنگ حضور نداریم. به یکی از موضوعات پیرامون جنگ پرداخته ایم. می شود گفت هر کدام از شخصیت های فیلم ما در قسمت های مختلف داستان، به نوعی با جنگ مربوط می شوند. ولی به شکل مستقیم در میدان جنگ نیستیم.

فیلم شما اشاره ای به داستان یونس پیامبر دارد. درباره انگشتی است متعلق به یک غواص شهید که در دل یک ماهی پنهان شده و یک صیاد آن را کشف می کند. این اشاره چه کار کردی برای فیلم تان دارد؟

این تحلیلی است که درباره فیلم داده شده، ولی مقصود ما چنین چیزی نبوده است. اگر فیلم را ببینید هم آن را تأیید نمی کنید. صرفاً به دلیل متن خلاصه فیلم است که منتشر شده است. در صورتی که چنین چیزی در فیلم وجود ندارد و اصلاً ماجرا چیز دیگری است.

از انتخاب بازیگران بگوئید. این گروه بازیگران که الان در فیلم حضور دارند، چطور انتخاب شدند؟

برای من یکی از مهم ترین و شاید بتوانم بگویم شیرین ترین چالش ها در نخستین فیلم بلند سینمایی ام همین انتخاب بازیگر بود. در این فیلم با ۴ نسل از بازیگران سر و کار داشتیم. بازیگران نوجوانی داشتیم که بعضی از آنها حتی یک بار هم مقابل دوربین نرفته بودند، بازیگران جوان داشتیم و همینطور بازیگران پیشکسوتی که ستاره بوده اند و هنوز هم هستند. طبیعتاً کار کردن با این گروه و این ۴ نسل سختی ها و شیرینی های خودش را داشت و برای من باعث افتخار بود.

جمشید هاشم پور نقش متفاوتی در این فیلم دارد. از حضور او در این فیلم بگوئید.

بله. با مشورتی که با دوستان داشتیم و بنا بر طرح و ایده فکر کردیم این نقش برای آقای هاشم پور خیلی مناسب است. خود او هم وقتی فیلمنامه را خواند خیلی مایل بود این نقش را بازی کند چون کار متفاوتی نسبت به نقش هایی که تا امروز اجرا کرده، به نظر می رسید. از نظر من بازی او در این فیلم درجه یک است و گریم متفاوتی هم دارد که به نقش کمک می کند.



از نخستین تجربه فیلمسازی بگوئید. برایتان چطور تجربه ای بود؟ طبیعتاً هر کاری نخستین بارش سخت است ولی شیرینی های خودش را هم دارد. پرواز ۱۷۵ نخستین فیلم بلند من محسوب می شود، اما پیش از آن چند کار کوتاه ساخته بودم و در چندین فیلم بلند و کوتاه به عنوان دستیار برنامهریز و سرپرست گروه کارگردانی فعالیت داشتم. اما فیلم ۱۷۵ نخستین تجربه کارگردانی فیلم بلند من بود که سختی های خودش را داشت. در کنار این سختی ها همراهی با عوامل حرفه ای سینما در مقابل دوربین و پشت صحنه که بعضی از آنها دو برابر سن هنری من تجربه بازیگری و فعالیت در سینما را داشتند، از تجربه های خوب این فیلم بود. ما تعامل خوبی با هم داشتیم و روزهای شیرینی را با هم سپری کردیم و امیدوارم حاصل خوبی داشته باشد.

اصولاً ایده فیلم چطور شکل گرفت؟

برای من دفاع مقدس بخشی از تاریخ ما نیست که مربوط به گذشته باشد. این دوران به امروز و فردای ما هم مرتبط است. می شود گفت ما در امتداد همان دفاع مقدس حرکت می کنیم و تبعاتش همچنان در کشور وجود دارد. برای من هم به عنوان کسی که در این کشور زندگی می کنم، دفاع مقدس همیشه دغدغه بوده و سعی کرده ام در این فیلم در یک قالب نو و بدیع به یکی از موضوعات پیرامون این جنگ بپردازم. به نظرم همین قالب نواست که پرواز ۱۷۵ را نسبت به فیلم های دیگری که در این ژانر ساخته شده اند و همه آنها از آثار شریف سینمای ایران هستند، متفاوت می کند.

از زمانی که ایده اولیه فیلمنامه شکل گرفت تا وقتی که فیلمنامه کامل نوشته شد، ۲ سال زمان برد. ما درباره قسمت های مختلف فیلمنامه مدت ها تحقیق کردیم و با گروهی که فیلمنامه درباره آنها بود، یعنی مادران غواص شهید، صحبت کردیم و سعی کردیم دغدغه های آنها در فیلمنامه بازتاب پیدا کند. امیدوارم در این زمینه موفق عمل کرده باشیم.

در مصاحبه ای گفته اید فیلم جنگی ساخته اید بدون اینکه یک تیر در آن شلیک شده باشد. این موضوع را بیشتر باز می کنید؟ اول از همه بگوئیم که امیدوارم این

